

دیوان پروین اعتصامی

با مقدمه ملک الشعرای بهار

انتشارات آوای مهدیس
تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: اعتصامی، پروین، ۱۲۸۵ - ۱۳۲۰. عنوان و نام پدیدآور:
 دیوان پروین اعتصامی / با مقدمه ملک الشعرای بهار. مشخصات نشر:
 نهران: آوای مهدیس، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۶۹ ص. شابک:
 ۳۵ - ۴ - ۷۳۹۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 موضوع: شعر - رسی - قرن ۱۴. شناسه افزوده: بهار، محمدتقی،
 ۱۲۵۰ - ۱۳۳۰. مقدمه نویسنده: رده بندی کنگره: ۱۳۹۴
 ب / ۷۳۹۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ رده بندی دیویی: ۸۱۶ / ۶۲ شماره کتابشناسی:
 ۴۰۷۲۴۱۸

دیوان پروین اعتصامی

ناشر: انتشارات آوای مهدیس

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۳۵ - ۴ - ۷۳۹۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۵۰.۰۰۰ تومان

ردز پخش:

خیابان فخرآزادی،

خیابان شهدای ژاندارمری،

پلاک ۶۳، واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۷ ۶۵۷۶ - ۸

تلفن همراه: ۰۹۱۲ ۱۰۰ ۹۵۲۰



فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۹	 روزگار حادثه و سختی
۲۱	 راه ناسموار
۲۲	 گلستان جان
۲۳	 گلی در باغ - ان
۲۴	 اهریمن روزگار
۲۵	 یادگار صفحه ایام
۲۷	 سنگ اهرمن
۲۸	 آئینه خرد
۳۰	 آسمان علم
۳۲	 قافله عمر
۳۳	 بهار بی خزان
۳۶	 هنگام بیداری
۳۷	 پرده تن
۳۸	 شاهین عمر
۴۰	 خامه دهر بر شکوفه
۴۱	 دامنی لؤلؤ و مرجان
۴۲	 اوراق
۴۴	 بزرگان مآل اندیش
۴۵	 تاوان عمر گمشده
۴۶	 فرشته خویان
۴۶	 رهسپار در روشنایی

۴۷	بانوی آراسته به هنر
۴۹	گل‌بند گوهرین
۵۱	گنج هستی
۵۴	گوهر فروش کان قضا
۵۵	باده معرفت
۵۶	پرتگاه‌های راه هوی
۵۷	دانش، گو ر جان
۵۹	اوراق پراکده کمال
۶۰	رنگ‌ها و نیرنگ
۶۱	آزادگان پاکدل
۶۳	دزد زمانه
۶۴	گلشن تحقیق
۶۶	هوای دیروز و فردا
۶۶	طائر علیین
۶۷	گوهر بی خریدار
۶۸	شناخت زیان و سود
۶۹	فرونی، زاده کمی
۷۰	اهریمن راه دل
۷۲	آئینه طلب
۷۷	ترازوی چرخ اخضر
۸۰	نهنگ ناشتای نفس
۸۰	آتش دل
۸۱	آرزوها (۱)
۸۲	آرزوها (۲)
۸۲	آرزوها (۳)
۸۳	آرزوها (۴)
۸۳	آرزو

۸۳	آرزوی پرواز
۸۵	آرزوی مادر
۸۶	آسایش بزرگان
۸۶	آشیان ویران
۸۸	آئین آینه
۸۸	احسان بی ثمر
۸۹	ارزش گوهر
۹۰	گوهر اشک
۹۰	اشک نیمه
۹۱	امروز و فردا
۹۱	امید و نومیدی
۹۲	اندوه فقر
۹۳	ای رنجبر
۹۴	ای گربه
۹۵	ای مرغک
۹۷	باد بروت
۹۸	بازی زندگی
۹۹	بام شکسته
۹۹	بلبل و مور
۱۰۲	برف و بوستان
۱۰۴	برگ برگریزان
۱۰۶	بنفشه
۱۰۶	بهای جوانی
۱۰۷	بهای نیکی
۱۰۸	بی آرزو
۱۰۹	بی پدر
۱۰۹	پایمال آرزو

۱۱۱	پایه و دیوار
۱۱۳	پیام گل
۱۱۳	پیک پیری
۱۱۴	پیوند نور
۱۱۶	تاراج روزگار
۱۱۷	توانا و ناتوان
۱۱۷	توشه پژمرده
۱۱۷	تهیدست
۱۱۹	تیر و کمان
۱۲۰	تیره بخت
۱۲۱	تیمار خوار
۱۲۳	جامه عرفان
۱۲۴	جان و تن
۱۲۵	جمال حق
۱۲۶	جولای خدای
۱۲۹	چند پند
۱۳۰	حدیث مهر
۱۳۰	حقیقت و مجاز
۱۳۱	خاطر خشنود
۱۳۲	خوان کرم
۱۳۴	خون دل
۱۳۴	درخت بی بر
۱۳۵	دریای نور
۱۳۷	دزد خانه
۱۳۸	دزد و قاضی
۱۳۹	دکان ریا
۱۴۰	دو محضر

۱۴۳	دو همدرد
۱۴۴	دو همراز
۱۴۵	دیدن و نادیدن
۱۴۶	دیده و دل
۱۴۷	دیوانه و زنجیر
۱۴۹	ذره
۱۵۰	ذره و خفاش
۱۵۱	راه دل
۱۵۲	رفوی و نت
۱۵۳	رنج نخست
۱۵۴	روباه نفس
۱۵۶	روح آزاد
۱۵۷	روح آزرده
۱۵۸	روش آفرینش
۱۵۹	زاهد خودبین
۱۶۰	سپید و سیاه
۱۶۱	سختی و سختی‌ها
۱۶۲	سرنوشت
۱۶۴	سرود خارکن
۱۶۵	سر و سنگ
۱۶۶	سعی و عمل
۱۶۷	در ترازوی قضا
۱۶۸	سیه روی
۱۶۸	شاهد و شمع
۱۶۹	شب
۱۷۱	شباویز
۱۷۲	شرط نیکنامی

۱۷۳	شکایت پیرزن
۱۷۳	شکسته
۱۷۴	تیره بخت
۱۷۶	شوق برابری
۱۷۷	صاعقه ما، ستم اغنیاست
۱۷۹	صاف و دُر
۱۸۰	صید پریشان
۱۸۲	طفل یتیم
۱۸۴	طوطی و شکر
۱۸۵	عشق حق
۱۸۷	عمر گل
۱۸۸	عهد خونین
۱۸۹	عیجو
۱۹۰	غرور نیکبختان
۱۹۱	فرشته انس
۱۹۳	فریاد حسرت
۱۹۴	فریب آشتی
۱۹۵	فلسفه
۱۹۵	قائد تقدیر
۱۹۶	قدر هستی
۱۹۷	قلب مجروح
۱۹۸	کارآگاه
۲۰۰	کارگاه حریر
۲۰۰	کاروان چمن
۲۰۱	کارهای ما
۲۰۱	کرباس و الماس
۲۰۳	کعبه دل

۲۰۵	کمان قضا
۲۰۷	کوته نظر
۲۰۷	کودک آرزومند
۲۰۸	کوه و کاه
۲۰۹	کیفر بی هنر
۲۱۱	گذشته بی حاصل
۲۱۱	گرگ و سگ
۲۱۲	گرگ و سباز
۲۱۴	گره گشی
۲۱۶	گریه بی سود
۲۱۶	گفتار و کردار
۲۱۸	گل بی عیب
۲۲۰	گل پژمرده
۲۲۱	گل پنهان
۲۲۱	گل خودرو
۲۲۳	گل سرخ
۲۲۵	گل و خار
۲۲۶	گل و خاک
۲۲۷	گل و شبنم
۲۲۹	گله بیجا
۲۳۰	گنج امین
۲۳۱	گنج درویش
۲۳۴	گوهر اشک
۲۳۵	گوهر و سنگ
۲۳۷	لطف حق
۲۴۰	مادر دوراندیش
۲۴۱	مرغ زیرک

۲۴۱	مست و هوشیار
۲۴۲	معمار نادان
۲۴۴	مناظره
۲۴۵	مور و مار
۲۴۷	نا آزموده
۲۴۹	نا اهل
۲۵۰	ناتوان
۲۵۰	نامه به نوشیروان
۲۵۱	نشان آزادگی
۲۵۲	نغمه خوشه چین
۲۵۳	نغمه رفوگر
۲۵۴	نغمه صبح
۲۵۶	نکته ای چند
۲۵۷	نکوهش بیجا
۲۵۷	نکوهش بی خبران
۲۵۸	نکوهش نکوهیده
۲۵۹	نوروز
۲۵۹	نهال آرزو
۲۶۰	نیکی دل
۲۶۰	هر چه بادا باد
۲۶۲	همنشین ناهموار
۲۶۳	یاد یاران
۲۶۶	مقطعات
۲۶۷	در تعزیت پدر
۲۶۸	این قطعه را برای سنگ مزار خود سروده ام

مقدمه

در این روزها یکی از دوستان گلدسته‌ای از ازهار نو شکفته به دستم داد و منّتی بر گردنم نهاد. دستم از آن رنگین گشت و دامنم مشک آگین. بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دستم برافت. این گلدسته روح‌نواز عبارت بود از قطعات و قصاید شاعره شیرین زبان معاصر خانم پروین اعتصامی که به تازگی از طبع برآمده و نخستین بار مباشر طبع آن دیوان حیرت‌انگیز را به مطالعه آن آشنا ساخت. ملاحظه چند صفحه از این دیوان و مشاهده سبک تن و شیرۀ استوار و شیوایی بیان و لطافت معانی آن چنانم بفریفت که تنها این کتاب را پیش‌گویی نهاده و هر مشغله که بود پس پشت افکندم و تمامت آنرا خوانده و لذتی موفور بردم.

از آنجا که دوستی اشاره کرد دیباچه‌ای به این دیوان بنویسم. انجام مقصود را با نظر کنجکاوی در اجزاء کتاب نگریستم و یادداشت‌هایی آماده داشته، اینک به طور خلاصه و ایجاز بدانها اشارتی می‌رود. این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل، و آن دو، یکی شیوه شعرای خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو و دیگر شیوه شعراء عراق و فارس است. به ویژه شیخ مصلح الدین سعدی و از حیث معانی نیز بین افکار و خیالات حکما و عرفا است و این جمله با سبک و أسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت جوئی است ترکیب یافته و شیوه‌ای بدیع بوجود آورده است.

قصاید این دیوان بوئی و لمحهای از قصاید ناصر خسرو دارد و در ضمن آنها ابیاتی که زبان شیرین سعدی و حافظ را فریاد می‌آورد بسیار است و بالجمله در پند و اندرز و نشان دادن مکارم اخلاق و تعریف حقیقت دنیا از نظر فیلسوف عارف و

تسلیت خاطر بیچارگان و ستمدیدگان و مفاد «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا فَلِيلٌ» و «نَجَى الْمُحْفَقُونَ» دل خونین مردم دانا را سراسر تسلیتی است و در همان حال راه سعادت و شارع حیات و ضرورت دانش و کوشش را نیز به طرزی دلپسند بیان می‌کند و می‌گوید در دریای شوریده زندگی باکشتی علم و عزم راهنورد باید بود و در فضای اُمید و آرزو با بال و پر هنر پرواز باید کرد.

علم سرمایه هستی است نه گنج زرو مال روح باید که از این راه توانگر گردد می‌توان گفت در قصاید طرز گفتار طوریت و در قطعات طوری دیگر، زیرا چنانکه خراهم گفت، بیشتر قطعات به طرز سؤال و جواب یا مناظره بسته شده و گویا این شیوه از قدیم ایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده و در آثار پهلوی قبل از اسلام هم مناظرات پیدا شده و در میان شعرای اسلامی نیز بیشتر مناظرات به شاعران آذربایجان و عراق اختصاص داشته است و قصاید اسدی طوسی که در مناظره است مجموع آنها در آذربایجان ساخته شده و سایر مناظرات نظم و نثر از نظامی گنجوی تا خواجوی کرمانی که اهالی این معنی است در اینجا باز استقلال فکر خانم پروین روشن می‌شود، زیرا اگر تنها پای بند تتبع شده بود چون مناظرات به ندرت از اساتید باقی مانده و بیشتر اسلوب شعرای خراسان در مد نظر بوده و کتب چاپ شده هم از همان جنس بیشتر در دسترس می‌باشد بایستی این قسمت یعنی قطعات مناظره از این دیوان حذف می‌شد و از اصل به خیال، پندیده نمی‌رسید، لکن پیدا است که شاعره ما میراث قدیم نیاکان عراقی خود را در گنجینه روح ذخیره داشته و با وجود تأثیر مطالعه قصاید شاعران خراسان یا کلیات شیخ شیراز، باز نخبه و جل گفتارش در زمینه عادات و رسوم زاد و بوم اصلی است معلوم نیست چرا شیوه مناظره که از قدیمترین اسلوب حسن اداء مقصود و یکی از بزرگترین طرز سخنگویی و استادی شمال و غرب ایران بوده تا این حد در زیر سبک خراسانی، محکوم به زوال شده است و که جز قسمت کمی از آن در کتب خطی و مختصری غیر قابل ذکر در ضمن سایر آثار اساتید چیزی بر جای نمانده است بالجمله آنچه معلومست خانم پروین از روی فطرت و غریزه خویش بار دیگر این شیوه پسنندیده را در قطعات جاوید خود احیاء کرده است.